

تأثیرات منازعات اخباریان و اصولیان سده ۱۳-۱۴ ق در اعتقادات جامعه فرهنگی و هنری شیعی معاصر

چکیده

فقه‌های شیعه در نگرش دینی و شرعی و نیز در منابع و روش استنباط از احکام به دو دسته اخباری و اصولی تقسیم‌بندی می‌شوند. مکتب اخباری به واسطه حکومت صفویان در حدود دو سده اندیشه مسلط در جامعه شیعی بوده و با نظریه‌پردازی‌های ملامین استرآبادی خلق و بسط پیدا کرده است. این روند تا زمان گسترش اندیشه‌های بهبهانی و شاگردانش ادامه داشته است. این اندیشه‌ها موجب افول اخباریان گردید. با پیروزی اصولیان و به تبع آن قدرت‌یافتن اجتهاد، زمینه ورود علما به سیاست فراهم شد. لذا اصولین تأثیری شگرف در جامعه امروزی ما برجا گذاشته‌اند که هنوز هم قابل مشاهده است. در تحقیق پیش‌رو به موارد مورد نزاع و ریشه‌های اختلاف میان اخباریان و اصولیون پراخته می‌شود و اعتقادات هر یک مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود کدام یک در عصر معاصر مورد قبول فقه‌های حاضر است. همچنین به این سؤال پاسخ داده می‌شود که عقاید این دو گروه چگونه باعث شکل‌گیری عقاید شیعه معاصر شده است. در پایان نیز این نتیجه اخذ می‌شود که امروزه اصولین توانسته‌اند با پیروزی بر اخباریان غالب فکری فقه‌های شیعه را مورد توجه خود قرار دهند و مسیر عقلانی را بر برابر مسیر روایی محض بسط دهند. از سوی دیگر، بخش مهمی از انگاره‌های فرهنگی و هنری جامعه شیعی معاصر تحت تأثیر این دو مکتب فقهی است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نزاع و ریشه‌های اختلاف میان اخباریان و اصولیون.
۲. بررسی اندیشه‌های فقهی در جامعه فرهنگی و هنری معاصر.

سؤالات پژوهش:

۱. ریشه‌های اختلاف میان اخباریان و اصولیون به‌عنوان مکاتب فقهی چیست؟
 ۲. اندیشه‌های فقهی چه تأثیری بر جامعه فرهنگی و هنری معاصر داشته است؟
- کلیدواژه‌ها:** اخباری‌گری، اصولی‌گری، تنازع فرقه‌ای، تشیع معاصر، صفویه.

مقدمه

انسان در عرصه حیات زندگی اجتماعی و وابستگی به الزامات آن ناچار است تا از زبان، آداب و رسوم، ملیت و قومیت، دین و مذهب و سایر چارچوب‌های جمعی و اعتباری پیروی نماید. در بسیاری از موارد، نفوذ این مؤلفه‌ها بر هویت انسان نه تنها بسیار عمیق است بلکه خارج از حوزه انتخاب انسان است. بدین معنا که هویت‌های متعارضی که انسان در طول زندگی اجتماعی خویش کسب می‌کند به نوعی بر او تحمیل می‌شود و انسان در انتخاب آن نقشی ضعیف یا ناخودآگاه دارد. برخی بر این باورند که بدون داشتن هویت، انسان قادر به ادامه حیات اجتماعی نیست. از این منظر، انسان باید به کمک این مؤلفه‌های قومیت و نسب، ملیت و نژاد، زبان و گویش، دین و مذهب و ... به دنبال بازنگری و بازسازی هویت تحمیلی و استقرار آن در خود باشد تا به این وسیله هم از پوچی و بی‌ارزشی نجات یافته و هم به جایگاه درخور و بالای اجتماعی خودش دست یابد.

در جامعه شیعی ایران در دوره معاصر، دو گرایش هویت‌بخش، جریان اخباری‌گری در تقابل با جریان اصولی‌گری وجود دارند. جریان اخباری‌گری یکی از جریان‌های فکری خسارت‌باری است که در دنیای اسلام پیدا شد و اثرش هم جمود فکری است (مطهری، ۱۳۶۸: ۱/۱۰). بنابراین سعی می‌کنیم این درک کلی را به دست آوریم که مدعای کلی اخباریه و منبع معرفت آن چیست؟ و چرا اصولیون با آن‌ها مخالفند؟

وقتی جمود^۱ و تأکید بر حجیت و حقانیت اخبار و حدیث بر اندیشه‌ها حاکم شود، مخصوصاً هنگامی که فردی جمود بر او حاکم شده است در سطحی قرار گیرد که جامعه هم از او پیروی کند، در این صورت چه بسا بسیاری از مشکلاتی که مردم در ابعاد مختلف متحمل می‌شوند، ناشی از همین دیدگاه باشد. البته پیروی انسان‌ها از دین ضروری است، ولی نه دینی که صرفاً برخاسته از ذهنیتی غلط است. چه بسا دیدگاه و فتوایی چون همه جوانب بحث در آن دیده نشده و شأن نزول بحث نیز فهمیده نشده است، به همه مردم و همه شرایط سرایت داده شود؛ در حالی که مطلب مربوط به شرایط خاصی دیگر بوده است نه همه شرایط؛ برای فرد خاصی بوده است نه همه افراد، یا مخصوص مردان بوده است نه زنان. همان‌گونه که لازم است در دین احتیاط رعایت شود، رعایت حقوق مردم هم بخشی از دین است که بدان سفارش شده است و کسی نمی‌تواند حساب مردم را از حساب دین جدا کند (جوادی، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۳). از نظر نگارنده بیشتر تغییرات و نیز رویه‌های ستیز در این دو جریان اخباری‌گری و اصولی‌گری در دو سده اخیر اتفاق افتاده است و نتایج آن مخاصمات در سده معاصر در اعتقادات مردم و علما نمایان شده است. لذا سؤال اصلی این پژوهش در گرو حل این مسئله خواهد بود که تأثیر منازعات اخباریان و اصولیون در دو سده اخیر بر عقاید جامعه شیعی در سده حاضر چیست؟ این هویت دینی چه تأثیری بر انگاره‌های فرهنگی و هنری داشته است؟

نتیجه‌گیری

نزاع میان اصولی‌گری و اخباری‌گری در اوان ظهور قاجاریه در ایران و عتبات عراق تبدیل به چالشی واقعی در سطح سیاسی و اجتماعی در جامعه امامیه شد. بنابراین از نظر زمانی استقرار سلسله قاجار مقارن با دفاع بهبهانی و شاگردانش از مذهب اصولی بود. البته نزاع اصولی و اخباری در دوران دومین پادشاه قاجار، یعنی فتحعلی‌شاه تا حدود زیادی آشکار

^۱. وقتی ظاهر اخبار و احادیث صادره از امامان شیعه حق مطلق و تنها منبع معرفت دینی به‌ویژه فقهی و شرعی باشد، در این وت این نحوه نگرش به جمود منجر می‌شود طبق گواهی تاریخ مشکلات عظیمی را برای جامعه پدید می‌آورد و بستر منازعات خونی و طولانی را بین دو جناح از روحانیت شیعه فراهم می‌سازد.

شد. اخباریان این بار با کوشش‌های محمدامین استرآبادی اخباری به‌دنبال سیطره بر علمای اصولی برآمدند. به اعتقاد نگارنده اخبارگری با شکل معتدل‌تر در متن اصولی‌گری هضم و جذب شد؛ یعنی بعد از غلبه اصول‌گرایی دیگر تغییر چهره نداد تا به‌عنوان جنبش فکری دیگر به میدان بیاید. همان‌طور که گفته شد اعتقاد آن‌ها با اصولیون در اجتهاد و تقلید بوده است. این بحث که اغلب کتب اصولی به‌ویژه در آخرین فصول آن‌ها آمده، در واقع اضافه‌شده مدعیات اخباریه است. در عمل نظر نگارنده این است که تعارض ذاتی غیرقابل جمع میان دو جناح و گروه وجود ندارد. اما عملاً نه علما و نه مردم وقتی به این تعارض‌های صوری نمی‌نهند.

گرچه در عصر ما در قالب مکتب تفکیک و اسلام سنت‌گرای ضدسیاست باز نمود کرده است، فعلاً با اضافه‌شدن باب اجتهاد و تقلید به‌ویژه کاربرد عقل عرفی در استنباط و اصدار احکام شرعی از تب و تاب این منازعه در دو قرن اخیر کاسته شده است. جنبش اصولی‌گری در نخستین دهه‌های سده نوزدهم آشکارا با استیلاي شاگردان و یاران بهبهانی همراه بود که عبارت بودند از فرزند او محمدعلی که ساکن کرمانشاه بود؛ شیخ جعفر نجفی معروف به شیخ اکبر و کاشف‌الغطاء از مخالفان اصلی محمدامین استرآبادی اخباری و مؤلف دو کتاب مهم در زمینه فقه اصولی به نام‌های الحق‌المبین و کشف‌الغطاء عن مبهمات شریعت‌الغراء می‌باشد که ساکن عراق بود اما هر سال به ایران می‌آمد؛ فرزند شیخ جعفر، محمدحسن نجفی، مؤلف جواهرالکلام حاج محمدابراهیم کلباسی و سید محمدباقر شفتی، هر دو اصفهانی، سید مهدی بحرالعلوم از نجف و شیخ ابوالقاسم قمی از قم، مؤلف قوانین‌الاصول (الگار، ۱۳۷۱: ۱۲۴-۱۲۵).

با پیروزی اصولیون بر اخباریان، در عهد قاجار، علما در ایران سده نوزدهم نقش گسترده‌ای پیدا کردند و به اقتدار دینی انحصاری دست یافتند. از این‌رو، در پی شکست تفکر اخباری، رواج گفتار مسلط دینی در ایران بر عهده روحانیان اصولی بود و این گروه نقش رهبری معنوی و مادی خود را در بسیاری از تحولات نشان دادند. هرچند که مقام و موقعیت علمای اصولی با به حاشیه‌راندن اخباریان کاملاً تثبیت شده بود، اما گهگاهی این موقعیت برتر از سوی برخی گرایش‌های مذهبی رقیب از جمله صوفیان و شیخی‌ها مورد تهدید قرار می‌گرفت که آرمان مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها متزلزل ساختن موقعیت و مقام علمای شیعه و بی‌اثر ساختن نفوذ معنوی و مذهبی آنان بود (ایزدی اودلو و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷). البته به نظر نمی‌رسد این تهدیدات جدی بوده باشد و در نهایت، نگرش اصولیه و اعتقادات آن‌ها کما این‌که ذکر شد، اهم رویکرد علمای حاضر را تشکیل می‌دهد. این نگرش در انگاره‌های فرهنگی و هنری جامعه شیعی ایران در دوره معاصر نمود واضحی دارد.

منابع و مأخذ:

- استرآبادی، محمدامین. (۱۴۲۴ق). الفوائد المدنیة. قم: النشر اسلامی.
- اسلامی، مهدی. (۱۴۰۰). «حجیت ظنون». قابل دسترس در پایگاه اینترنتی راسخون ۲.
- الگار، حامد. (۱۳۷۱). «نیروهای مذهبی در سده هجدهم و نوزدهم»، مندرج: سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.

- ایزدی اودلو، عظیم و دیگران. (۱۳۹۷). «پیروزی علمای اصولی بر اخباری‌ها و اهمیت سیاسی آن در عهد قاجاریه». مطالعات سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۲۰-۱.
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۹۲). «فرآیند تحول مکتب اخباری و اصولی با تأکید بر واکنش شیخ بهایی». پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ۷۹-۳۵.
- دوانی، علی. (۱۳۶۲). مؤسسه وحید بهبهانی. تهران: امیرکبیر.
- جناتی، محمدابراهیم. (۱۳۷۲). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی. تهران: مؤسسه نشر کیهان.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی‌جوادی، قاسم. (۱۳۹۲). «اخباریان در نگاه شهید مطهری»، تماشاگه راز، شماره ۸، ۱۵۸-۱۳۷.
- خطیبی، احسان. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی دیدگاه اخباریان در حجیت قطع با محوریت کلمات شیخ انصاری رحمه الله علیه». فقیهان، شماره ۵، ۲۵-۸.
- شهابی، محمود. (۱۳۶۵). ادوار فقه. تهران: انتشارات سازمان چاپ.
- طالب، حمید. (۱۳۹۳). «مدرنیسم و شکل‌گیری نص‌گرایی: نگرشی در فهم زمینه‌های اخباری‌گری». جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، شماره ۵، ۱۷۴-۱۴۷.
- علی‌پور، مهدی. (۱۳۸۵). «اخباری‌گری به‌مثابه روش اجتهادی (نگاهی به یک پارادوکس نما)»، پژوهش و حوزه، شماره ۲۷ و ۲۸، ۲۱۶-۱۸۶.
- فیض‌افرا، داود؛ ارجینی، حسین و مولوی وردنجانی، عیسی. (۱۳۹۷). «پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۳، ۱۴۲-۱۲۱.
- علامه حلی، حسن‌بن یوسف. (۱۴۲۱ق). تسهیل الوصول الی علم اصول، ترجمه: سیدمحمد حسین، لندن: مؤسسه منشورات امام علی(ع)، تحقیق رضوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: صدرا.
- مظاهری کوهانستانی، رسول؛ میراحمدی، مریم. (۱۳۹۱). «بررسی نقش عقل در دوران اخباری‌گری». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۹، ۱۳۴-۱۱۵.
- میرزایی، عبدالله. (۱۳۹۲). «اندیشه‌های فقهی در عرصه هنر». چیدمان، شماره ۱۱، ۵-۱.
- نظری، محمدتقی. (۱۳۷۹). «اخباری‌گری و تأثیرات آن در فقه شیعه»، مصباح، شماره ۳۶، ۱۲۴-۱۰۷.
- وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۱۶ق). الرسائل الاصولیه، قم: علامه مجدد وحید بهبهانی.